

گروه کودک و نوجوان بنیاد پژوهشهای اسلامی
برای گروههای سنی زیر کتاب منتشر می‌کند:

گروه الف: سالهای پیش از دبستان
گروه ب: سالهای آغاز دبستان
گروه ج: سالهای پایان دبستان
گروه د: دوره راهنمایی
گروه ه: دوره دبیرستان

پروانه حرم

سروده: منیره هاشمی
تصویرگر: سمانه رهبرنیا



9789649712406

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروانه حرم

سروده: منیره هاشمی
تصویرگر: سمانه رهبرنیا

هاشمی، منیره، ۱۳۵۹ -
پروانه حرم / سروده منیره هاشمی؛ تصویرگر سمانه رهبرنیا. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی،
۱۳۸۷.
۱۲ ص. : مصور (رنگی).
فیبا.
ISBN 978-964-971-240-6
گروه سنتی: الف، ب.
۱. شعر کودکان، ۵۳. ۲. شعر مذهبی. الف. رهبرنیا، سمانه، تصویرگر. ب. بنیاد
پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.
۱۳۸۷ ب ۲۵۲ هـ ۱۰۵۱ ف ۸۱
کتابخانه ملی ایران BP ۱۲۴۵۰۹۶



پروانه حرم

سروده منیره هاشمی
تصویرگر: سمانه رهبرنیا
چاپ اول ۱۳۸۷
۳۰۰۰ نسخه
قیمت ۴۲۰۰ ریال
چاپ: گوتنبرگ

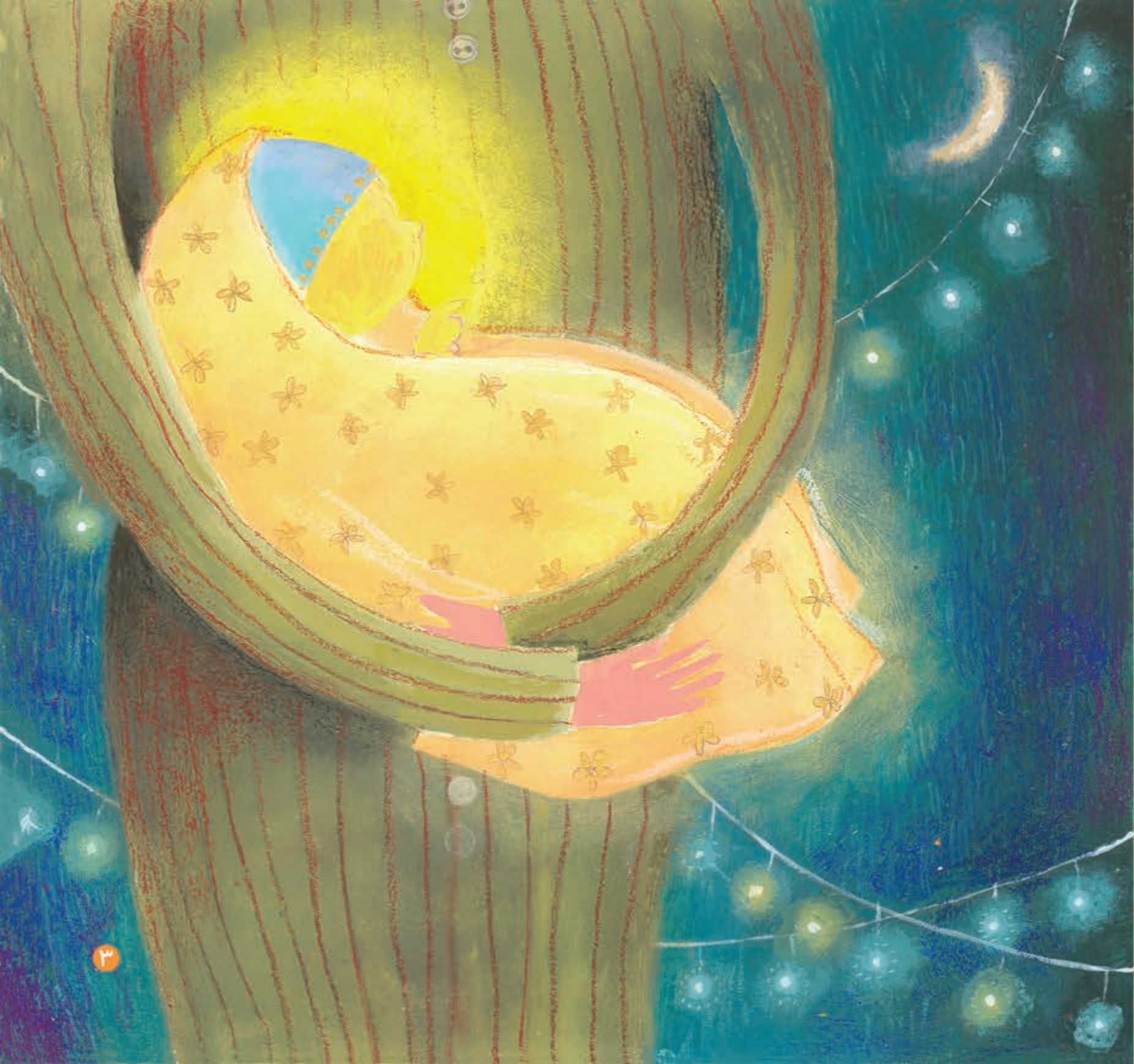
حق چاپ محفوظ است

مراکز بخش

بنیاد پژوهشهای اسلامی، تلفن و دورنگار واحد فروش (مشهد) ۲۲۳۰۸۰۳ (قم) ۷۷۳۳۰۲۹
صندوق پستی: مشهد - ۹۱۷۳۵-۳۶۶
شرکت به نشر، تلفن دفتر مرکزی (مشهد) ۸۵۱۱۱۳۶-۷ دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

website: www.islamic-rf.ir

e-mail: info@islamic-rf.ir



جشن تولد

جشن تولد بود
در آسمان شب
خورشید هم آمد
شد میهمان شب

موسی بن جعفر شد
از رنج و غم‌ها دور
در دست‌هایش بود
قنداقه ای از نور

این نور زیبا از
پیش خدا آمد
ای بچه آهو‌ها!
موسی الرضا آمد





گنبد

پر می زند چشمم
با شوق تا گنبد
این اولین بار است
می آید او مشهد

او بچه دریاست
همسایه باران
به به! عجب زیبا
می خواند او قرآن

آرام می گردیم
در صحن ها باهم
حس می کنم با او
من دوستم کم کم

می گوید این جا حوض
زیباتر از دریاست
این دوستی هامم
یک هدیه از آقاست



گل هشتم

از کوچه ها رد شد
پروانه ای زیبا
او خسته بود از شهر
از دود واز غوغا

وقتی که گنبد را
گلدسته ها را دید
همراه با مردم
دور حرم چرخید

او گفت: من گل را
گم کرده بودم گم
در باغ می مانم
پیش گل هشتم



مهمان نیشابور

آرام می آمد
با کاروان نور
تا این که مهمان شد
در شهر نیشابور

مردم همه چون رود
دنبال آن دریا
از ردپای او
شد چشمه ای پیدا

در جایی از آن شهر
مهمانی ماه است
مردم چه خوش بخت اند
آن جا قدمگاه است

آن شهر، دیگر دور
از هرچه زشتی شد
بوی خدا پیچید
شهری بهشتی شد



آینه ها

من با پدر دیروز
مهمان او بودیم
با چشم‌های خود
در جست و جو بودیم

از بوی عطر او
دنیا بهاری بود
دیوارها آن جا
آینه کاری بود

آینه ها هستند
این جا عجب زیبا
افتاده عکس او
در صورت آن ها

از شوق دیدارش
با گریه خندیدم
انگار امام را
در آینه دیدم

